



بررسی رابطه هوش عاطفی با اخلاق حرفه ای و تعهد سازمانی پرستاران

علی جعفری، نرگس نجفی

دانشجوی کارشناسی حقوق، گرایش حقوق ثبتی - دانشگاه علمی و کاربردی تربت حیدریه

کارشناس مهندسی مدیریت و آبادانی

چکیده:

هدف مطالعه حاضر بررسی رابطه بین هوش عاطفی با اخلاق حرفه ای و تعهد سازمانی پرستاران شهر تربت حیدریه است. روش تحقیق از نوع همبستگی بوده و جامعه آماری این پژوهش ۱۹۰ نفر می باشند که از طریق روش نمونه گیری تصادفی ساده تعداد ۱۵۰ نفر از پرستاران شهر تربت حیدریه انتخاب شدند. ابزارهای تحقیق عبارت بود از سه پرسشنامه استاندارد هوش عاطفی بهرامی (۱۳۸۱)، اخلاق حرفه ای قاسم زاده و همکاران (۱۳۹۳) و پرسشنامه تعهد سازمانی آلن و میایر (۱۹۹۵). روایی محتوایی هر سه پرسشنامه به وسیله صاحب نظران تأیید گردید و برای تأیید پایایی، آلفای کرونباخ برای پرسشنامه هوش عاطفی ۰/۸۵ و برای پرسشنامه اخلاق حرفه ای ۰/۸۰ و برای پرسشنامه تعهد سازمانی ۰/۸۹ محاسبه گردید. تجزیه و تحلیل داده ها از راه آمار توصیفی و آمار استنباطی (ضریب همبستگی پیرسون و آزمون t مستقل، تحلیل واریانس، رگرسیون چندمتغیره)، انجام گرفت. نتایج نشان داد که در تعامل مولفه های هوش عاطفی با اخلاق حرفه ای و تعهد سازمانی پرستاران رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد و بین نظرات پرستاران در مورد هوش عاطفی با اخلاق حرفه ای و تعهد سازمانی با توجه به جنس، سابقه خدمت و مدرک تحصیلی تفاوت معناداری مشاهده نشد جز اینکه رابطه تحصیلات پرستاران با متغیرهای تحقیق به شکل معنی داری برآورد گردید.

کلید واژه ها: هوش عاطفی، تعهد سازمانی، اخلاق حرفه ای، پرستاران، تربت حیدریه.

۱- مقدمه

توانمندی ها و شایستگی های اجتماعی و عاطفی از عوامل تعیین کننده تاثیر گذاری بر کیفیت روابط اجتماعی به شمار می آید (آیزن برگ و همکاران، ۱۹۹۷) در واقع مفهوم هوش عاطفی، یک حیطه چند عاملی از مجموعه مهارت ها و صلاحیت های اجتماعی است که بر تواناییهای فرد برای تشخیص درک و مدیریت هیجان و عواطف، حل مسأله و سازگاری تأثیر می گذارد و به طرز مؤثری فرد را با نیازها، فشارها و چالشهای زندگی سازگار می کند (صفوی، موسوی لطفی و لطفی، ۱۳۸۸). از سوی دیگر شواهد موجود نشان می دهند که هوش به تنهایی نشان دهنده موفقیت ما در زندگی و محیط کار نیست و عواطف نقش کلیدی در موفقیت سازمانی به عهده

دارند. (سلیمانی و همکاران، ۱۳۹۲) افراد هوشمند از نظر عاطفی می توانند اثربخشی را در تمام سطوح سازمانی گسترش دهند و نقشی مهم در کیفیت و اثربخشی تعامل اجتماعی با دیگران ایفاء نمایند. (شیخ، ۲۰۰۷) از طرفی ارتباط یکی از قدیمی ترین و در عین حال عالی ترین دستاوردهای بشری است. ارتباط زمینه ساز زندگی اجتماعی است. انسان موجودی اجتماعی است و در خلا آفریده نشده است. یکی از رسالت های مهم انسان در جهان خاکی، ایجاد، گسترش و تداوم بخشیدن به روابط فردی است. روابط بین فردی، مهم ترین مولفه های زندگی ما از بدو تولد تا هنگام مرگ است. هیچ انسانی از بدو تولد و بدون آموختن نمی تواند روابط بین فردی موثری برقرار کند و تا زمانی که انسان زنده است این روابط ادامه دارد که در قالب اخلاق حرفه ای در مشاغل ظاهر می شود و تداوم حیات و اجتماع منوط به افزایش کیفیت روابط بین فردی است. (فتی و موتابی، ۱۳۸۵)

همچنین هوش عاطفی برای موفقیت شغلی ضروری است و ۶۰ درصد عملکرد در تمام شغل ها را در بر می گیرد. هوش عاطفی به تنهایی بزرگترین عامل برای پیش بینی عملکرد فرد در محیط کار و قوی ترین نیرو برای رهبری و موفقیت است. (برادبری و گرویس، ۲۰۰۷)

باتوجه به حساسیت شغل پرستاری و اینکه بخش اعظمی از سلامت جامعه به رفتار پرستاران در بیمارستان ها برمی گردد هوش عاطفی می تواند در این زمینه به پرستاران کمک زیادی بکند به گونه ای که هوش عاطفی پرستاران به آنها در زمینه آگاهی بیشتر از روش های بین فردی، شناسایی و مدیریت تأثیر عواطف بر تفکر و رفتار، توسعه توانایی تشخیص تحرکات اجتماعی در محیط کار و درک چگونگی مدیریت روابط و بهبود آن ها کمک می کند. از این رو هوش عاطفی محصول دو مهارت اصلی قابلیت فردی و قابلیت اجتماعی است. خود آگاهی و خودمدیریتی به فرد برمی گردد و آگاهی اجتماعی و مدیریت روابط به رابطه فرد با دیگران بر می گردد از این رو هم در تعهد سازمانی پرستاران و هم در روابط بین فردی و شهروندی و گسترش اخلاق حرفه ای آنان تاثیر گذار است. (همان)

1 - Shaikh

2 - Fani&Motabi

3 - Bradbury